



بژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل، دوره ۱۳، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

دوره انتشار: شش ماهنامه * شاپا چاپی: 3472-2322 * شاپا الکترونیک: 3402-2717

doi <https://doi.org/10.22067/irlip.2024.87216.1511>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

مقاله پژوهشی



تحول در دیپلماسی اقتصادی برزیل و الزامات آن برای ایران

روح‌اله اسلامی^۱، حمید جابری^۲

چکیده

برزیل از اواسط دهه ۱۹۹۰ با اصلاحات اقتصادی توانست مسیر پیشرفت و توسعه را با سرعتی کم‌نظیر پیماید؛ اما دیپلماسی اقتصادی این کشور در طی کمتر از یک دهه گذشته از سیاست‌های بسته عبور کرده و خواهان ادغام در نظم اقتصادی جهانی است. لذا پرسش مقاله حاضر این است که چطور دیپلماسی اقتصادی برزیل از حمایت‌گرایی گذار و به سمت ادغام در اقتصاد جهانی حرکت کرده و در چنین وضعیتی چگونه تقویت تجارت با ایران امکان‌پذیر است. با به کارگیری نظریه وابستگی متقابل پیچیده در تحلیل دیپلماسی اقتصادی برزیل، مشخص شد که این کشور ضمن کنار گذاشتن سنت حمایت‌گرایی و گرایش به ادغام در ژئواکونومی جهانی، به تنوع‌سازی در شرکای خود در قالب توافقنامه‌های تجاری، کاهش اتکای صرف به مرکوسور، تقویت ورود سرمایه خارجی و حضور سرمایه‌گذاران برزیلی در خارج از مرزها، اتخاذ سیاست چندجانبه‌گرایی در قالب نهادهای بین‌المللی، کاهش نرخ تعرفه و موانع غیر تعرفه‌ای پرداخته است؛ در مورد الزامات تجارت بین ایران و برزیل، لزوم انعقاد قراردادهای همکاری بلندمدت، پیمان‌های تجارت ترجیحی و به‌ویژه آزاد میان ایران و برزیل؛ ایجاد ظرفیت صادراتی با توجه به مکمل بودن اقتصاد دو کشور؛ همکاری در جهت چندجانبه‌گرایی در قالب نهادهایی چون بریکس و استفاده از ظرفیت برزیل در کمک به عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی و نهایتاً عبور از موانعی از قبیل مسئله تحریم و نرخ تعرفه، مواردی هستند که به عنوان مسیر جهش و تقویت حوزه سیاست‌گذاری خارجی ایران در قبال برزیل را نشان می‌دهند.

واژگان کلیدی: توافقنامه تجاری، چندجانبه‌گرایی تجاری، دیپلماسی اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی، مرکوسور.



تحول در دیپلماسی
اقتصادی برزیل و الزامات
آن برای ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱- استادیار علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول). Eslami.r@um.ac.ir

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران. hameed.jabery@ut.ac.ir

Development of brazilian economic diplomacy and its implications for Iran

Rohollah Eslami¹, Hameed Jabery²

Abstract

Ever since the mid-1990s, Brazil has undergone significant economic transformations, steering its course towards progress and development at a remarkable pace. However, its economic diplomacy has taken a different route in less than a decade, shifting from closed policies to a desire to be part of the global economic order. Therefore, this article delves into how Brazilian economic diplomacy has transitioned from protectionism to integration in the world economy and explores the potential for strengthening trade with Iran in such a context. Drawing on the theory of complex interdependence, it is evident that while abandoning the tradition of protectionism and the tendency to integrate into the global geo-economy, Brazil diversified its partners in the form of trade agreements, reduced reliance on Mercosur, strengthened the entry of foreign capital and the presence of Brazilian investors overseas, trade multilateralism, the reduction of tariff rates and non-tariff barriers; On the other hand, regarding the trade implications for Iran, the need to conclude long-term cooperation agreements, preferential and especially free trade agreements between Iran and Brazil; Creating export capacity due to the complementarity of the economies of the two countries; Cooperation in the direction of multilateralism in the form of institutions such as BRICS and the utilize of Brazil's leverage to assist Iran become a member of the World Trade Organization and finally overcoming obstacles such as the sanctions and tariff rates are opportunities that could shape Iranian trade policy towards Brazil.

Keywords: Economic diplomacy, Foreign investment, Mercosur, Trade agreement, Trade multilateralism.



۲

پژوهش‌نامه ایرانی
سیاست بین‌الملل،
سال ۱۳، شماره ۱، شماره
پیاپی ۲۵، پاییز و زمستان
۱۴۰۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1- Assistant Professor of Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author) eslami.r@um.ac.ir,

2- M.A. in International Relations, University of Tehran, Tehran, Iran. hameed.jabery@ut.ac.ir,

مقدمه

در جهان کنونی با تعاریف نو و گسترده از امنیت ملی که تنها متأثر از متغیرهای نظامی و سیاسی نیست، سرمایه‌گذاری در حوزه‌های تجارت خارجی و افزایش وابستگی متقابل اقتصادی، نه تنها به توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی کشورها کمک کرده است که همچنین متغیری مهم در تأمین امنیت ملی نیز است؛ شاید بتوان گفت به‌طور سنتی توسعه اقتصادی مهم‌ترین متغیر سیاست‌گذاری برزیلی‌ها در عرصه بین‌المللی بوده است. در واقع حضور و بروز عاملی چون توسعه در تصمیم‌گیری و پی‌ریزی اهداف سیاست خارجی چیزی است که اجماع بسیاری میان نخبگان در تقریباً همه جناح‌های سیاسی حول محور آن وجود دارد. از سوی دیگر، حفظ روابط خارجی متعادل و مدیریت شده در کنار اولویت‌بندی تجارت و صادرات نقش بسزایی در بهبود موقعیت اقتصادی برزیل در جهان در دهه‌های اخیر و غلبه بر چالش‌ها داشته است؛ به‌طوری که حتی تا اوایل دهه ۲۰۱۰ از این کشور به‌عنوان «کشور آینده» یاد می‌شد. این نقطه ثقل مشترک سایر کشورهای نوظهور مانند هند و چین نیز تا حد بسیاری بوده است و حتی داستان پیروزمندانه توسعه در کشورهای شرق آسیا مانند تایوان، سنگاپور و مالزی موسوم به بهره‌های آسیایی را نیز تأیید می‌کند. به‌عنوان مثال، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تأثیرات دیپلماسی فعال اقتصادی برزیل در حوزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی، می‌توان به این نکته اشاره کرد که به‌طور کلی ورود سرمایه‌های خارجی به‌ویژه از سوی سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی با اهداف تحت حمایت اجتماعی - همراه با سیاست‌های اقتصادی و رشد اقتصادی بالا، عاملی مهم در فقرزدایی بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ بود.

دیپلماسی اقتصادی کشورهای نوظهور مانند برزیل و همچنین استراتژی کلان همکاری جنوب-جنوب، نقش حیاتی در نهادهایی مانند بریکس دارد که حامی کشورهایمانند ایران، واقع در جنوب اقتصادی جهانی است. اگرچه برزیل به‌عنوان یکی از قدرت‌های نوظهور اقتصادی الگوی مناسبی برای سایر کشورها است، اما توسعه و رشد اقتصادی آن بدون تحلیل دیپلماسی این کشور در حوزه تجارت خارجی و حضور در بازارهای جهانی فاقد جامعیت لازم و بسیار رهن است. سنت سیاست خارجی برزیل ضمن محور قرار دادن توسعه دستکم پس از جنگ جهانی دوم، در حوزه اقتصادی مبین حمایت‌گرایی بوده است؛ این رویه اما طی چند سال اخیر با تغییراتی مواجه بوده است؛ امری که طی آن شاهد گذار دیپلماسی اقتصادی از حمایت‌گرایی به سمت ادغام در اقتصاد بین‌المللی هستیم. برزیل جدید در پی ایجاد تصویری نو و هویتی جدید در صحنه بین‌المللی است. لذا پرسش اصلی این پژوهش این مسئله است که چطور دیپلماسی اقتصادی برزیل از حمایت‌گرایی گذار و به سمت ادغام در اقتصاد جهانی حرکت کرده و در چنین



انجمن انوی روابنا بین الملل

۳

بررسی محیط منطقه‌ای
دریای خزر؛ شناخت
الگوهای منازعه و همکاری
امنیتی

وضعیتی چگونگی تقویت تجارت با ایران امکان‌پذیر است. فرضیه‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که رقابت‌پذیری پایین تولیدات داخلی و محدودیت‌های تجارت با اعضای مرکوسور شرایطی را به وجود آورد که برزیل ناگزیر تصمیم به ادغام در اقتصاد جهانی گرفت و در مورد ایران هم تحریم مهم‌ترین مانع تقویت تجارت فی ما بین است. به دلیل نوع و ماهیت مسأله مورد تحقیق، یعنی دیپلماسی اقتصادی، نوع این پژوهش کاربردی است. رویکرد مورد استفاده پژوهشگر توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده اسنادی و برای تحلیل از الگوی «نظریه مبنا» با کاربرست نظریه وابستگی متقابل، استفاده شده است.

۱. پیشینه پژوهش

یکی از مشکلات مهم در مورد موضوع پژوهش حاضر کمبود منابع است که در این بخش همین منابع معدود هم بررسی می‌شود. تا کنون چه در بحث دیپلماسی اقتصادی برزیل و چه در خصوص روابط ایران و برزیل پژوهش‌های معدودی منتشر شده است. به طور کلی دو دسته از آثار را که تا حدی به موضوع تحقیق حاضر مرتبط هستند می‌توان شناسایی کرد.

الف. آثاری که دیپلماسی اقتصادی برزیل را مورد واکاوی قرار داده اند. سلیمی فرد و همکاران (Salimi, Fard, Yousefi, Shahabi, & Abdulkhani, 2022) به دنبال تبیین نقش دیپلماسی اقتصادی برزیل در صلح و همگرایی جهان از طریق بررسی برون‌دادهای سیاست خارجی اقتصادی برزیل بوده و بدون توجه به روندها، رویکردها و فلسفه این دیپلماسی بیشتر در سطح نتایج دیپلماسی برزیل متوقف شده‌اند. حمیدی (Hamidi, 2022) در رساله‌اش به بررسی تأثیر سیاست خارجی اقتصادی برزیل بر توسعه این کشور، بدون تفکیک سیاست وارداتی و صادراتی برزیل، سطح ادغام اقتصادی آن و تنها با تکیه بر الگوی مشابه هند پرداخته و عملاً تصویر چندان جامعی از دیپلماسی اقتصادی برزیل به دست نمی‌دهد. استوائو و آلکاراس (Esteveo & Alcaras, 2019) با طرح نوعی نگاه انتقادی به مسئله بسته بودن اقتصاد برزیل و بیشتر در دهه ۲۰۰۰ و نیمه اول دهه ۲۰۱۰، به آسیب‌شناسی عملکرد و جایگاه برزیل در اقتصاد جهانی پرداخته اما باید گفت در ارائه تبیینی از چرایی وضعیت موجود و دیپلماسی برزیل و روندهای داخلی مؤثر ناکام بوده‌اند.

ب. آثار بسیار معدودی است که به روابط اقتصادی و تجاری میان ایران و برزیل پرداخته‌اند. بنابراین در خصوص تجارت با ایران نیز پژوهش‌های معدودی به صورت موردی چون اثر کارخانه و دیگران سازی‌ها و پیش‌بینی‌های مبتنی بر شاخص‌ها و فرمول‌های اقتصادی چون شاخص‌های کسینوسی و مزیت نسبی، بدون توجه به دیپلماسی اقتصادی برزیل به ظرفیت صادراتی ایران به برزیل پرداخته‌اند.



به طور کلی نگاهی به آثار مذکور نشان می‌دهد که با وجود توجه به الزامات و پیامدها و نتایج دیپلماسی اقتصادی برزیل، حلقه مفقوده چنین رویکردهایی، تبیین دیپلماسی اقتصادی برزیل، روندهای داخلی تحول و مشخصات آن بوده است؛ لذا در این مقاله ضمن بررسی دیپلماسی اقتصادی برزیل و ارائه تبیینی از ریشه‌ها و سنت دیپلماسی اقتصادی برزیل، به تحول در این دیپلماسی، تغییرات در حوزه سیاست‌گذاری دولتی و محورهای آن می‌پردازیم. بنابراین مهم‌ترین تفاوت این اثر ارائه تبیینی زمینه‌مند، تاریخی و در عین حال به روز از تحول در دیپلماسی اقتصادی برزیل با استفاده از نظریه وابستگی متقابل اقتصادی و تکمیل نوشتار با لحاظ کردن فرصت‌های همکاری اقتصادی ایران و برزیل است. در نهایت وجه تمایز و نوآوری این تحقیق در دو مسئله یعنی تبیین نقشه راه دیپلماسی اقتصادی برزیل در دو دهه گذشته به‌ویژه دیپلماسی جدید آن و رابطه آن با ایران است.

۲. مبانی نظری

با توجه به مفهوم دیپلماسی اقتصادی و مؤلفه‌های مرتبط همچون سطح ادغام اقتصادی، سیاست و تراز تجاری، یکی از نظریاتی که امکان کاربست برای تحلیل این موضوع را دارد نظریه وابستگی متقابل پیچیده است. رایج‌ترین تعریف از وابستگی متقابل اقتصادی نسبت میان حجم تجارت به تولید ناخالص داخلی است. در این نظریه مهم‌ترین محرک گرایش کشورها به وابستگی بیشتر و ادغام در اقتصاد جهانی مزایای تجارت بدون هیچ پیش شرطی است. (Tanious, 2018, p. 43) نظریه وابستگی متقابل برای تبیین بسیاری از مواردی چون گرایش بیشتر به همگرایی و ادغام اقتصادی و از سوی دیگر کاهش قدرت ابزارهای سیاسی و نظامی به‌ویژه توسط کوهن و نای گسترش یافت. به‌طور کلی در پاسخ به عدم کارایی نظریات واقع‌گرایی در تبیین همگرایی اقتصادی و گسترش تجارت بود که چنین نظریاتی مطرح شدند. کوهن و نای عرصه روابط بین‌الملل را برخلاف واقع‌گرایان در چهارچوب الگوهای صرفاً منازعه‌آمیز نمی‌دانند، بلکه برآنند که رویکرد قالب در عصر پس از جنگ دوم بزرگ به‌ویژه جنگ سرد، همکاری با وابستگی بیشتر کشورها به هم است. (Mohammadi & Salehi, 2022, p. 177) به‌طور کلی آنچه وابستگی متقابل اقتصادی را نه تنها اجتناب‌ناپذیر که تجویز می‌کند، ماهیت جدید امنیت و منافع ملی است که بدون در نظر گرفتن مناسبات و منافع اقتصادی، در مرحله اول جایگاه آن کشور در نظم اقتصاد جهانی و در مرحله بعد بقای آن نیز تا حدی مورد تهدید واقع می‌شود. *مجله علمی پژوهشی مطالعات ژئوپولیتیک و ژئواستراتژی* *مجله علمی پژوهشی مطالعات ژئوپولیتیک و ژئواستراتژی* یکی از تضمین‌های اهتمام به وابستگی متقابل امکان تلافی و عمل متقابل دو طرف قرارداد تجاری است که میل به واگرایی را کاهش و همزمان گرایش به همگرایی اقتصادی را تقویت می‌کند. بنابراین گرایش

به ادغام در نظم جهانی و به طور کلی جهانی شدن، مبین فلسفه فکری نظریه وابستگی متقابل است؛ جایی که نظریه پردازان آن با خوش بینی نسبت به افزایش رشد اقتصادی و بهبود شاخص های رفاهی جوامع در اثر تقویت عناصر تجارت جهانی می نگرند. از این جهت نقشه راه این نظریه ایجاد پلی میان سطح تحلیل ملی و بین المللی است. (Moshirzadeh, 2017, pp. 52-53)

در منظومه نظری لیبرال ها وابستگی متقابل بر خلاف واقع گرایان منتج به توجه دولت ها به مزیت مطلق می شود نه مزیت نسبی؛ به طوری که انتظارات دولت ها از تقویت تجارت آزاد الگوی بازی با حاصل جمع مثبت است؛ الگویی که بیانگر مزایای قراردادهای تجاری برای دو طرف است. البته وابستگی متقابل امری ثابت و همواره تابع الگوی برد برد کامل نیست بلکه در برخی از روابط تجاری شاهد الگوی نابرابری هستیم. حتی تجارت آزاد با توجه به نتایج اقتصادی که داشته است بیشتر در جهت منافع کشورهای در حال توسعه و طبقه متوسط این کشورها بوده است اما از سوی دیگر برخی کشورهای غربی با توجه به تحلیل نتایج بر حسب مزیت نسبی و نه مطلق، در مقاطعی مانند دوران دونالد ترامپ روی به سمت سیاست های حمایت گرایانه و تا حدی عدول از اصول تجارت آزاد آوردند. Bigdali, Dehghani Firouzabadi, Barzegar, & Cheganizadeh, 2023, p. 368

متقابل اقتصادی دارند را نه مطلقاً برابر و نه از سوی دیگر مطلقاً نامتقارن و یک طرفه می دانند؛ به عبارت دیگر انتظار نتایج و مزایای یکسان از تجارت میان دو کشور همان طور بعید است که رابطه همراه با برتری و دیکته منافع یک کشور بر دیگری، هر چند روابط کشورهای شمال و جنوب مورد نظر ما باشد. (Keohane and Nye, 2011, p. 9) به علاوه یکی از پاسخ ها به معضله عدم تقارن در وابستگی متقابل، سازمان های بین المللی به ویژه سازمان تجارت جهانی است که استعداد و تأثیر مناسبات نامتقارن را کاهش می دهد.

روندی که بر اساس نظریه وابستگی متقابل، در عمل اتفاق می افتد بدین صورت است که زمانی که سطح بالایی از وابستگی و مناسبات اقتصادی میان کشورها وجود دارد، منافع مشترکی پدید می آید که نه تنها صلح طلبی را تشویق که هزینه انزوا، خود کفایی و استفاده از ابزارهای قهری را نیز بالا می برد. (Noormohammadi, Sharbati, & Heydari, 2022, p. 663)

ادغام در اقتصاد جهانی و متعاقب آن تشویق همکاری و تقبیح واگرایی و منازعه، بر اهمیت نهادهای بین المللی به ویژه در حوزه تجارت و مسائل مالی و پولی بین المللی تأکید می کنند. در این چهارچوب تبادل اطلاعات و برگزاری اجلاس ها در سازمان های بین المللی، ضمن کمک به کاهش آسیب های



نابرابری در قدرت کشورها، هزینه فرصت عدم همکاری را نیز بالا می‌برد. در چارچوب این نظریه، نهادهای بین‌المللی تأمین منافع کشورهای طرفدار ادغام در اقتصاد جهانی را امکان‌پذیرتر می‌کنند. از انگاره‌های مرکزی این نظریه، گذار از سیاست‌ها و رویکردهای محافظه‌کارانه‌ای چون حمایت‌گرایی به باز کردن اقتصاد و ادغام در نظم اقتصادی جهانی به‌عنوان عاملی در گرایش به صلح و افزایش هزینه جنگ است؛ (Dehghani Firouzabadi, Salimi, & Manadizadeh, 2019, p. 76) بنابراین نوعی وفاداری و غایتمندی نسبت به گسترش تجارت به دلیل نقش غیرقابل انکار آن در تأمین امنیت ملی، در قلب این نظریه است. به عبارت دیگر تجارت و ادغام در اقتصاد جهانی آن روی سکه انزوای اقتصادی و در نهایت شکنندگی در حوزه امنیت ملی و افزایش خطر جنگ است.

۳. سنت دیپلماسی اقتصادی برزیل: حمایت‌گرایی

به طور سنتی توسعه اقتصادی مهم‌ترین متغیر سیاست‌گذاری برزیلی‌ها در عرصه بین‌المللی بوده است. در واقع حضور و بروز عاملی چون توسعه در تصمیم‌گیری و پی‌ریزی اهداف سیاست خارجی چیزی است که اجماع بسیاری میان نخبگان در تقریباً همه جناح‌های سیاسی حول محور آن وجود داشته است. (Husar, 2016, pp. 98-100) از طرفی سنت غالب رفتاری برزیل در حوزه تجارت خارجی دست کم پس از جنگ جهانی دوم حمایت‌گرایی بوده است. در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ راهبرد صنعتی‌سازی جایگزینی واردات و در دهه ۱۹۸۰ سیاست‌هایی بر پایه اجماع واشنگتن پی‌ریزی شد. (Grivoyannis, 2019, p.371) صنایع رقابتی-وارداتی از جمله مهم‌ترین منابع حمایت شده در تجارت خارجی این کشور بوده‌اند که از مزایایی چون نرخ تعرفه بالا، مشوق‌های مالی و نیز رژیم‌های کنترل‌ی واردات برخوردار بودند. حجم بالای نیروی کار، قدرت لابی‌گری و حمایت دولت برزیل از صنایع با ارزش افزوده بالا نقش مهمی در تقویت این صنایع داشته‌اند؛ البته بخش مهمی از این رابطه حمایت دو طرفه دولت و این صنایع، به موفقیت آنها در روند صنعتی‌سازی و نگاه مکمل دولت به کمک آن در روند توسعه ملی و نیز کاهش وابستگی در صحنه بین‌المللی برمی‌گشت. بعلاوه سطح بهره‌وری بخش خدمات برزیل نیز پایین‌تر از شیلی و مکزیک و در حد کلمبیا و پرو بود. حتی «لیبرالیزاسیون اقتصادی» و تجاری دهه ۹۰ نیز اگرچه نرخ تعرفه‌ها را به میزان زیادی کاهش داد اما بسیاری از صنایعی که در دوره‌های قبل تحت راهبرد جایگزینی واردات، مورد حمایت واقع شده بودند، پس از این تحول نیز همچنان با مشوق‌هایی از سمت دولت حمایت شدند. صنایعی چون خودرو، نساجی و پوشاک در این دسته قرار داشتند. (Oliviera, Veiga, Rios, & Riberio, 2019, p. 9) از محرک‌های داخلی حضور محافظه‌کارانه برزیل در صحنه تجارت بین‌المللی به‌ویژه تا اواخر دولت



روسف، می‌توان به موانع حمایت‌گرایانه‌ای که در جهت منافع گروه‌های فشار، عدم سرمایه‌گذاری در حوزه‌های خلاقیت و نوآوری و نیز تولید پایین اشاره کرد. (Soares Herculano, 2022, p. 2) برای نمونه با آغاز «برنامه برزیل بزرگ» توسط دیلما روسف، فعالیت و تأثیر لابی‌گری به‌ویژه در محصولات وارداتی-رقابتی شدت بیشتری پیدا کرد. در این چهارچوب پژوهش‌ها نشان داد که سیاست‌گذاری تجارت خارجی برزیل که در بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰، تا حدود ۲۵ درصد متأثر از لابی‌گری بود با برنامه روسف به عدد ۳۵ درصد در سه سال بعدی رسید. (Schedelik, 2023, p. 211)

برزیل پس از اندونزی و ایالات متحده آمریکا در اواخر دولت دیلما روسف بیشترین قوانین و برنامه‌های حامی تولید داخلی را در جهان داشت. ویژگی مهم این‌طور قوانین در مقایسه با دیگر ابزارهای پدافند تجاری^۱، سطح پایین شفافیت است که ابهام و خطر عدم رقابت‌پذیری را بسیار بالا می‌برد. از سوی دیگر برخلاف دیگر ابزارها که از لحاظ اساس‌نامه سازمان تجارت جهانی به رسمیت شناخته شده‌اند، این نوع از قوانین و برنامه‌ها نقش پنهان‌کننده را در سیاست‌های دولت ایفا می‌کنند. (Estevao & Alcaraz, 2019, p. 100) البته در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که سنت فکری بی‌میلی به تجارت آزاد و گرایش به حمایت‌گرایی در میان گروه‌های خاصی، صاحبان کسب و کار و فعالان اقتصادی برزیل نیز دیده می‌شد. برای مثال در محصولات وارداتی و رقابتی^۲ چون لبنیات و قهوه و در محصولات تولیدی رقابتی چون کاغذ نیز زمانی که منافع ناشی از حمایت‌گرایی افزایش یافت تلاشی برای کاهش تعرفه نکردند. (Schedelik, 2023, p. 211)

۴. تحول ژئواکونومیک در دیپلماسی اقتصادی برزیل: گذار از حمایت‌گرایی

غلبه پارادایم حمایت‌گرایی در سیاست‌گذاری اقتصادی برزیل در روابط خارجی آنچنان قوی بوده است که از دهه ۱۹۹۰ تا تقریباً اواخر دولت روسف، دچار لغزش چندانی نشد. حتی در سال ۲۰۱۱ برنامه برزیل بزرگ دیلما روسف هم با هدف حمایت از صنایع داخلی به اهدای مشوق‌های مالیاتی، کمک‌های یارانه‌ای و حمایت قانونی از آنها مبادرت ورزید. حتی بخش بزرگی از سرمایه‌های مستقیم خارجی نیز مشروط به

۱- ابزارهای پدافند تجاری (trade defense) در چهارچوب قوانین سازمان تجارت جهانی، بر اساس ماده ششم منشور موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و از سوی توافق‌نامه اجرای این ماده و موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی (SCM) بلامنع شده‌اند. بدین ترتیب هر عضو سازمان تجارت جهانی در صدور عوارض برای واردات محصولاتی که با بررسی و تایید مقام ذی صلاح سازمان تجارت جهانی در وضعیتی نامنصفانه قرار دارند، آزاد است. (Crochet, 2022, p. 388)

داشتن تعهد نسبت به انتقال فناوری و تقویت محصولات داخلی شدند. چنین حمایت‌گرایی تهاجمی اما به دلیل محدودیت مالی در اثر اعطای یارانه‌های بسیار و بی‌حساب و کتاب، هزینه‌های بالا و ناکارآمدی در تخصیص و اعطای منابع نه تنها در رسیدن به اهداف و حمایت از صنایع داخلی و در تصویر بزرگتر، توسعه، ناکام بود که آثار منفی در صنایع به جا گذاشت و ماحصل آن نیز بحران اقتصادی سال ۲۰۱۶ شد. دستور کار جدید عملی اما که از آغاز دوره میشل تمر در سال ۲۰۱۶ مطرح شد برای نمونه بر لزوم تسریع در روند نهایی شدن مذاکرات مرکوسور با اتحادیه اروپا و مذاکرات دوجانبه با مکزیک تاکید می‌کرد. (Oliveira & et.al., 2019, pp. 16-17) در واقع این بحران تلنگری دگر بار به اقتصاد برزیل بود که از سیاست‌های لیبرالیزاسیون و درهای باز اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ که ادغام نسبی این کشور با اقتصاد بین‌المللی را آغاز کرد، کمی فاصله گرفته بود.

به باور گریونیاست استاد اقتصاد بین‌الملل، ادغام در اقتصاد جهانی در هر شرایطی ضمن برقراری زنجیره‌ها و شبکه‌های تأمین، به ایجاد «وابستگی‌های اقتصادی قابل بهره‌برداری» منجر می‌شود. در مرحله بعد همین وابستگی‌ها منتج به ورود نوآوری، فناوری، تحقیقات و ابزارهای به روزتر و ارزان‌تر می‌شود. در این فضای همگرایی اقتصادی است که تولید بر پایه مزایای تطبیقی و تخصصی شکل می‌گیرد و در نهایت ادغام در اقتصاد جهانی نتایجی چون بهره‌وری، رقابت‌پذیری و درآمد سرانه بالا را به همراه دارد. (Grivoyannis, 2019, pp. 371-372) با الهام از چنین ایده‌هایی بود که فشار نخبگان اقتصادی چه در حوزه دانشگاهی و در سطح نظری و چه در مقام سیاست‌گذاری جهت تغییر ژئواکونومی و حضور بیشتر برزیل در زنجیره ارزش جهانی در صحنه بین‌المللی اقتصاد جهانی به‌ویژه همراه با انعقاد توافق‌نامه‌های تجارت ترجیحی و نیز تسهیلات در حوزه رویه‌ها و قوانین گمرکی، فضای سخت و محدودی برای مدافعان حمایت‌گرایی ایجاد کرده است. امری که موجب کاهش نسبی محدودیت‌ها به طور کلی و به طور خاص در حوزه نرخ‌های تعرفه شده است. (Oliveira & et.al., 2019, p. 17) حتی همراه با نخبگان اقتصادی و سیاسی، خود تولیدکنندگان و شرکت‌های برزیلی نیز در سال ۲۰۲۱ خواستار مانع‌زدایی در حوزه تجارت خارجی و حمایت از کارآفرینی و رقابت شدند. (Organization for Economic Co-operation and Development, 2021)

همانطور که ذکر شد به طور کلی ذهنیت سیاست‌گذاران اقتصادی و تجاری برزیل به سمت ادغام هرچه

1- Exploitable Economic Dependencies



بیشتر با نظم اقتصادی جهانی و تغییر ژئواکونومی آن با گذار از اتکا به مرکوسور، گرایش پیدا کرده است. در این خصوص می‌توان به چنین مواردی اشاره کرد: در سال ۲۰۱۷، برزیل درخواست عضویت در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی را صادر کرد، در صورت عضویت این کشور در این سازمان، روبه‌های پیچیده و چانه‌زنی‌های گسترده همراه با مواجهه با کشورهای پیشرفته صنعتی، این کشور را در حوزه رژیم سیاست‌گذاری عمومی و به ویژه اقتصادی تقویت خواهد کرد. بعلاوه درخواست برای الحاق به موافقتنامه تدارکات دولتی سازمان تجارت جهانی به عنوان عضو ناظر چنانچه در مراحل بعدی موجب عضویت برزیل شود راه را برای آزادسازی اقتصاد برزیل بر روی محصولات خارجی باز می‌کند چراکه بر اساس ماده چهارم این موافقتنامه بسیاری از سیاست‌های تجاری حامی تولیدات داخل و تبعیض‌آمیز نسبت به موارد مشابه خارجی، ممنوع خواهند شد. (Esteveo & Alcaraz, 2019, p. 107)

در دوره جدید تحول دیپلماسی، تنوع‌سازی در شرکای تجاری برزیل و عبور از ژئواکونومی محدود آمریکای جنوبی محوریت بسیاری از مذاکرات و توافقنامه‌های تجاری این کشور را شکل می‌دهد. رویکرد تهاجمی برزیل به امضای توافق‌نامه‌های گسترده با بسیاری از کشورها و اتحادیه‌ها حاکی از نه تنها انگیزه دولت، که حمایت بخش خصوصی از این رویه در سیاست خارجی برزیل در چند سال گذشته است. در این چارچوب می‌توان به مواردی از این دست اشاره کرد: تنوع‌سازی مذاکرات و توافق‌نامه‌های تجاری با اقدام برای امضای موافقتنامه با اتحادیه اروپا و آغاز مذاکرات تجاری با کره جنوبی و کانادا؛ تقویت ادغام با اقتصادهای عضو پیمان اقیانوس آرام از جمله کشورهای شیلی، پرو، کلمبیا و مکزیک؛ تقویت و تعمیق همکاری‌ها در قالب بریکس با تأسیس بانک توسعه جدید همراه با گسترش مناسبات تجاری و سرمایه‌گذاری‌ها میان اعضا. به علاوه در سال ۲۰۱۷ برزیلی‌ها توافقنامه تجارت آزاد با مصر را اجرا کردند و همزمان به دنبال چنین توافقنامه‌ای با سنگاپور است. (Council on Foreign Relations, 2023) چنین تغییراتی تا کنون موفق نیز بوده است. برای مثال همانطور که در ابتدای بحث نظری این مقاله مطرح شد، با نگاهی به شاخص ارزیابی میزان باز یا بسته بودن اقتصاد یک کشور نسبت به تجارت جهانی و میزان ادغام آن با اقتصاد بین‌المللی، یعنی نسبت میان تجارت و حجم کل صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی می‌توان دریافت که بر اساس آمارهای سازمان تجارت جهانی این نسبت از ۲۴.۳ درصد در سال ۲۰۱۷ به ۲۳.۳۹ درصد در سال ۲۰۲۱ رسیده است که پیشرفت قابل توجهی را نشان می‌دهد. (World Trade Organization, 2022, p. 49)

۴-۱. مرکوسور و ژئواکونومی فراتر از آن

مهم‌ترین نماد همگرایی اقتصادی برزیل طی بیشتر دو دهه آغازین قرن بیستم سازمان منطقه‌ای مرکوسور یا همان بازار مشترک جنوب بوده است^۱. با این حال، اگرچه مرکوسور دستاوردهایی داشته است اما همچنان با چالش‌هایی نیز روبرو است؛ یکی از این چالش‌ها مکمل نبودن اقتصادی کشورهای عضو به دلیل قدرت بسیار و هم‌پوشانی در حوزه محصولات کشاورزی و مواد غذایی است؛ امری که موجبات گرایش بیشتر این نهاد به همکاری‌های برون سازمانی و ارتباط با سایر مناطق را فراهم می‌کند. (Salimi Fard et al, 2022, p. 146) بعلاوه مرکوسور که در ابتدای کار به عنوان اتحادیه‌ای گمرکی شروع به کار کرد، در نهایت نرخ تعرفه مشترک خارجی بالای آن تبدیل به مانعی مهم برای گسترش تجارت خارجی شد. (Soares Herculano, 2022, p. 2)

فراتر از بالا بودن نرخ تعرفه مشترک خارجی، اختلاف بر سر تعرفه‌ها یکی دیگر از چالش‌های پیش روی این سازمان است؛ برای مثال درحالی که برزیل و اروگوئه به دنبال ایجاد ظرفیتی برای مذاکره مستقل اعضای مرکوسور با دیگر کشورها هستند؛ آرژانتین از سیستم تعرفه مشترک خارجی میان اعضا حمایت می‌کند که تاکنون با مخالفت سایر اعضا روبرو شده است. همین اختلاف یکی از مهم‌ترین عوامل عدم تحقق ظرفیت بسیار مرکوسور و در نتیجه عقب ماندن از اهداف اصلی در نیل به سهم بزرگ در تجارت جهانی است. (Salimi Fard et al, 2022, p. 147) نمونه چنین اختلافی در دولت بولسونارو رقم خورد؛ جایی که دولت بولسونارو به دنبال تغییر و تحول در مرکوسور بود. در این دوره برزیل پیشنهاد کاهش ۲۰ درصدی در تعرفه مشترک خارجی را داد که با مخالفت آرژانتین رد شد. در واکنش به این اقدام بولسونارو به صورت یک جانبه و خلاف مقررات مرکوسور، دست به کاهش تعرفه‌ها بر پایه اصل دولت کامله الوداد کرد. (Canning House, 2023, p. 7)

از دیگر حوزه‌های اختلاف میان اعضای مرکوسور می‌توان به موارد دیگری نیز اشاره کرد؛ برای نمونه در موضوع مربوط به توافق تجارت آزاد مرکوسور با چین نیز درحالی که برزیل از چنین توافقی حمایت می‌کند آرژانتین و اوروگوئه آن را خطری برای اقتصاد خود می‌دانند. لولا داسیلوا با طرح نوسازی مرکوسور و تاکید بر حمایت از انعقاد توافق‌نامه‌های تجارت آزاد با بلوک‌ها و کشورهای ثالث با مخالفت

۱- علاوه بر مرکوسور، برزیل در چهارچوب همگرایی اقتصادی منطقه‌ای خود در ترتیبات دیگر منطقه همچون اتحادیه ملل آمریکایی (آناسول)، جامعه دولت‌های آمریکای لاتین و کارائیب (سارک) نیز شرکت فعالانه‌ای داشته است. (Zibaei, 2019, p. 89)

آرژانتین روبرو بوده است. (CFR.org, 2023) بعلاوه تنوع سازی شرکای تجاری و کاهش وابستگی به اتحادهای منطقه‌ای یکی از مهم‌ترین استدلال‌های بخشی از نخبگان برزیل در جهت زیر سوال بردن مرکوسور بوده است. (Vigevani & Junior, 2022, p. 160) از سوی دیگر اهتمام جدی و فزاینده به انعقاد و توافق‌نامه‌های تجاری، هسته مرکزی راهبرد ادغام در اقتصاد جهانی بوده است. در همین راستا اگرچه مهم‌ترین شرکای تجاری برزیل از لحاظ ارزش کلی تجاری اعضای مرکوسور بوده اند اما در روندی نزولی اهمیت و وزن این سازمان برای این کشور رو به کاهش است.

۴-۲. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه و رشد اقتصادی در هر کشوری ورودی سرمایه مستقیم خارجی به آن است. افزون بر تأمین مالی پروژه‌ها و برنامه‌ها، یکی از مهم‌ترین مزایای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انتقال فناوری است؛ امری که رقابت‌پذیری محصول داخلی را نیز به نوبه خود تقویت می‌کند. (Silva, 2018, pp. 664-666) در این چارچوب برزیل به طور سنتی پس از جنگ جهانی دوم یکی از مهم‌ترین مقاصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان در حال توسعه و مقصد اصلی این نوع سرمایه در آمریکای لاتین بوده است. بنابراین درحالی که دستور کار تاریخی سیاست‌گذاری برزیلی‌ها در حوزه سرمایه‌گذاری بیشتر جذب یک طرفه سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل رویکرد جایگزینی واردات بود، اما سیاست جدید نمایانگر نه تنها تلاش برای جذب سرمایه بلکه تسهیلگری و حمایت دولت از شرکت‌ها و صاحبان سرمایه برزیلی و توان رقابتی آنها جهت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های خارج از کشور است. (Zibaei, 2019, p. 90) همانطور که در بحث بدهی‌ها برزیل از کشوری بدهکار در دهه ۱۹۸۰ به کشوری وام‌دهنده تبدیل شده است؛ در حوزه سرمایه‌گذاری نیز هم اکنون شرکت‌های برزیلی حضور گسترده‌ای در بازارهای جهانی داشته و امروزه از این کشور به عنوان سرمایه‌گذار نیز یاد می‌شود.

از اولویت‌های دستگاه دیپلماسی برزیل تحت عنوان پروژه «راهبرد رهبران ملی»، حمایت و اعمال برنامه‌های تشویقی برای شرکت‌های این کشور جهت سرمایه‌گذاری در خارج از کشور بوده است. یکی از اهداف پیگیری چنین رویکردی تضمین تأمین ارز و متعاقب آن بهبود شرایط در حوزه تراز پرداخت‌ها است. در نهایت افزایش سرمایه و اشتغال‌زایی در چهارچوب تقویت تولید ناخالص ملی این کشور بوده است. مهم‌ترین نهاد اجرایی این سیاست نیز «بانک ملی توسعه اجتماعی و اقتصادی» است که در قالب اعطای وام به شرکت‌هایی عمل می‌کند که طرح‌هایی برای حضور در بازارهای جهانی دارند. (Zibaei,



کارگزاری تجارت و سرمایه‌گذاری برزیل یا اپکس^۱ مهم‌ترین نهاد عامل در جذب سرمایه خارجی از طریق شناسایی فرصت‌های کسب و کار، تقویت رویدادهای راهبردی و حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی برای حضور در بازار و اقتصاد برزیل است. در این چهارچوب آمبودزمان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم^۲ از طرف وزارت اقتصاد در سال ۲۰۱۹ با هدف ایجاد «پنجره واحد» برای سرمایه‌گذاران جهت بیان، حل مشکلات، نگرانی و رفع ابهامات آنها تاسیس شد. از سال ۲۰۲۰ شراکت خارجی‌ها در نهادهای مالی داخلی در برزیل تسهیل و حذف قوانین و رویه‌های تبعیض آمیز برای سرمایه‌گذاران خارجی با هدف تقویت رقابت در بازار تضمین شده است. از سوی دیگر برای تسهیل و بهبود فضای کسب و کار از سال ۲۰۲۱ شرط اقامت خارجی‌هایی که مناصب مدیریتی در شرکت‌های سهامی مشترک داشتند لغو و امکان استفاده از وکالت‌نامه فراهم شده است. (WTO, 2022, pp. 54-55)

۳-۴. چندجانبه‌گرایی تجاری

دیپلماسی اقتصادی برزیل در دهه ۱۹۹۰ بسیار متمرکز بر رابطه با سازمان تجارت جهانی بود. شرکت فعالانه برزیل در سازمان تجارت جهانی به‌ویژه در مذاکرات دور دوحه و هم‌افزایی آن با دیگر کشورهای در حال توسعه، نشان‌دهنده تعهد تاریخی (تاریخ معاصر) این کشور به چندجانبه‌گرایی در حوزه مذاکرات تجاری در قالب گروه کشورهای در حال توسعه بود. این رویکرد برزیل موفقیت‌هایی نیز در پی داشت، جایی که با همکاری کشورهای جنوب رویه‌های یک طرفه غربی‌ها با چالش مواجه شده و حتی در پرونده‌هایی چون دعاوی با آمریکا بر سر کتان و اروپا بر سر شکر، طرف برزیلی پیروز شد. در نهایت در سال ۲۰۱۳ با انتخاب روبرتو آزودو به مدیر کلی سازمان تجارت جهانی، قدرت چانه‌زنی برزیل در صحنه تجارت بین‌المللی بیش از پیش شد. (Zibaei, 2019, p. 92)

در سال ۲۰۰۳ ائتلاف تجاری گروه ۲۰ به رهبری برزیل به عنوان مانعی بر سر توافق در چهارچوب سازمان تجارت جهانی بود که منافع کشورهای در حال توسعه را در نظر نمی‌گرفت. (Zahluth bostos & Hiratuka, 2020, p. 7) در خصوص گروه ۲۰، داسیلوا در دوره اول ریاست جمهوری اظهار داشت «گروه

1- Brazilian Trade and Investment Promotion Agency (ApexBrasil, Agência Brasileira de Promoção de Exportações e Investimentos)
2- Direct Investments Ombudsman



۲۰ ضمن تغییر قاعده بازی سازمان تجارت جهانی، سبب بالا بردن اعتماد به نفس کشورهای در حال توسعه شده است. البته این به آن معنی نیست که ما به نقطه مطلوب رسیده ایم، بلکه ما به مراحل پایانی مبارزه با ساختاری از تجارت بین‌الملل رسیده ایم که برای کشورهای در حال توسعه بسیار مضر و زیان‌بار بود. آموخیم به عنوان وزیر خارجه برزیل نیز بیان کرد که عمر گروه ۸ به پایان رسیده و نقش برجسته و فعال برزیل در گروه ۲۰ انکارناپذیر است. (Mohseni & Mezinani, 2021, p. 51) یکی از دستور کارهای برزیل که از طریق بریکس قابل ردیابی است افزایش سهم کشورهای جنوب نسبت به قدرت‌های غربی در روند تصمیم‌گیری در صندوق بین‌المللی پول بوده است؛ در بهار ۲۰۲۳ و در هنگامه بحران اقتصادی آرژانتین، داسیلوا پیشنهاد اعطای وام به این کشور را داد و اظهار داشت: «صندوق بین‌المللی پول باید چاقویش را از روی گردن آرژانتین بردارد». (Carnegie Endowment for International Peace, 2023) از سوی دیگر برزیل مبتکر طرح بانک توسعه بریکس به منظور تأمین مالی پروژه‌ها و زیرساخت‌های عمرانی کشورهای در حال توسعه به عنوان رقیبی برای صندوق بین‌المللی پول نیز بوده است. (Salimi Fard et al, 2022, pp. 151-150)

سیاست خارجی برزیل در دوره جدیدی که داسیلوا را به‌عنوان رئیس جمهور می‌بیند بیش از همه روی به سمت تقویت چندجانبه‌گرایی دارد. این سیاست بر خلاف بولسونارویی است که تمایل چندانی به وجود پیمان‌های تجاری چند جانبه نداشت و بیشتر به دنبال روابط تجاری دوجانبه با کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده بود. (Modern Diplomacy, 2024) طرح اصلاح نظام مالیاتی بخش مصرفی اقتصاد برزیل، مسیری را در راه تحقق بخشی از وعده‌های انتخاباتی داسیلوا برای تسهیل نظام مالیاتی، تشویق شرکت‌های بین‌المللی برای حضور در برزیل، کاهش هزینه انطباق کسب و کارها با قوانین و محیط تجاری این کشور و اصلاحات در زمینه مالیات بر دارایی‌ها باز می‌کند. (Global Policy Watch, 2024)

حجم بالای درخواست‌ها برای عضویت در بریکس، نشان از قدرت بالای این مجموعه و موفقیت آن در ایجاد مکانیزمی غیر غربی در نظم اقتصادی جهان بوده است. جدیدترین تلاش برزیل در این راستا در جهت نظم جدید چند قطبی، به چالش کشیدن نظم اقتصادی غربی و تقویت تجارت در کشورهای جنوب، حمایت این کشور از دلار زدایی و تجارت با ارزهای محلی با برخی از شرکای تجاری است. هر چند باید گفت ریشه چنین رویه‌ای تا حد زیادی ناشی از حضور چپ‌ها در قدرت بوده است، کما اینکه قدرت گرفتن سیاستمدار راست‌گرای چون بولسونارو موجبات واگرایی نه‌چندان گسترده اما قابل توجه در رابطه با کشورهای نوظهوری مثل چین و از طرف دیگر تقویت رابطه با آمریکا را فراهم کرد.

۴-۴. نرخ تعرفه، واردات و صادرات

به طور کلی در مقاطع مختلف نیز در سال‌های اخیر، برزیل به دنبال رژیم تجاری با تعرفه پایین بوده است و در این راستا نرخ تعرفه بسیاری از کالاها را کاهش داده است. برای مثال میانگین نرخ تعرفه در بخش کشاورزی پایین‌تر از اقلام حوزه تولیدی برزیل بوده است؛ البته که استثنائاتی در هر یک از این بخش‌ها وجود دارد؛ برای مثال در مقایسه با بسیاری از کشورهای در حال توسعه به‌ویژه اقتصادهای نوظهور دیگری همچون هند و مکزیک، نرخ‌های تعرفه در حوزه کشاورزی در برزیل پایین‌تر است. (Oliveira & et. Al., 2019, p. 12) در متأخرترین اقدام در این چارچوب باید به مصوبه‌های شماره ۲۶۹ در سال ۲۰۲۱ و ۳۴۱ در ۲۰۲۲ که تعرفه بسیاری از کالاها را کاهش داد، اشاره کرد. مصوبه شماره ۳۵۳ کمیته اجرایی کمکس در ۲۰۲۲ تعرفه‌های حدود ۶۱۹۰ کالا در حوزه‌های مختلفی چون بیشتر محصولات کشاورزی، جنگل و شیلات را کاهش داد. (Australian Trade and Investment Commission, 2023)

در راستای رژیم جدید تجاری، بسیاری از موانع غیر تعرفه‌ای واردات نیز یا با کاهش یا در مواردی حذف روبرو شده‌اند. در این چارچوب می‌توان به کاهش صدور عوارض جدید ضد دامپینگ و برقراری الزام برآوردی بر پایه اصل هزینه-فایده در صدور چنین عوارضی اشاره کرد؛ این الزام به معنای ارزیابی وضعیتی است که طی آن در صورت تفوق معایب و ناکارآمدی‌های چنین عوارضی در کلیت اقتصاد برزیل بر مزایا و سود آن برای شرکت‌ها و تولیدات داخلی، از صدور چنین عوارضی اجتناب خواهد شد.^۱ شبیه‌سازی مدل تعادل عمومی قابل محاسبه^۲ نیز تأثیر بیشتر چنین رویه‌ای با کاهش تعرفه‌ها نسبت به سودهای موقت و محدود شرکت‌های خصوصی را نشان می‌دهد؛ امری که نهایتاً بهره‌وری صنایع تولیدی این حوزه از کالاها را تقویت نیز خواهد کرد. پژوهشی دیگر در همین قالب شبیه‌سازی مؤید آن است که کاهش تعرفه‌ها همراه با حذف قوانین حامی تولید داخل، باعث افزایش و تقویت تولید در حدود ۰.۶۲٪، سرمایه‌گذاری ۰.۵۹٪، تقاضای کار ۰.۶۱٪ و صادرات ۷.۶۹٪ خواهد بود. (Estevao & Alcaraz, 2019, pp. 107-108)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۱- رای نمونه در طی مطالعه‌ای که توسط وزارت دارایی در این خصوص صورت گرفت، یافته‌ها حاکی از پیشی گرفتن آثار منفی صدور عوارض احتمالی بر تورم و تولید ناخالصی داخلی برزیل از مزایا و سود تولیدکننده داخلی و شرکت‌های خصوصی بود. در ژانویه سال ۲۰۱۸ نیز با پیشنهاد وزارت دارایی، عوارضی بر واردات فولاد از سوی کمکس صادر نشد. (Estevao & Alcaraz, 2019, p. 107)

2- Computable General Equilibrium



اپکس به عنوان نهاد عامل تقویت صادرات، خدماتی در حوزه اطلاعات بازار، ایجاد ظرفیت برای کسب و کارها، بهبود تجارت و تصویرسازی مثبت و در نهایت گسترش راهبردهای بین‌المللی شدن برای شرکت‌ها، صنایع و تولیدات برزیلی ارائه می‌دهد. از جنبه‌های حمایت صادراتی نیز می‌توان به قراردادهای همکاری فنی و مالی میان اپکس و اتحادیه‌های بخش خصوصی که تامین مالی تا ۶۰ درصد ارزش کلی یک پروژه را نیز می‌تواند شامل شود، اشاره کرد. از نهادهای دیگر موثر در حوزه حمایت‌های صادراتی می‌توان به وزارتخانه‌های امور خارجه و اقتصاد و بانک برزیل اشاره کرد. در این چهارچوب برای مثال بانک برزیل به شرکت‌های برزیلی با فروش ناخالص سالانه تا ۱۰ میلیون رئال، خط اعتباری برای فعالیت‌های موثر در صادرات از جمله شرکت در نمایشگاه‌ها، ارسال نمونه‌ها و سرمایه‌گذاری در حوزه بازاریابی ارائه می‌دهد. طرح دستورالعمل‌ها و شرایط اعطای کمک‌ها و یا تضامین مالی به صادرکنندگان برزیلی همراه با نظارت بر فعالیت‌های برنامه تامین مالی صادرات و صندوق تضمین صادرات، در حیطه صلاحیت و اختیارات کمیته تامین مالی و تضمین صادراتی زیر مجموعه کمکس است. (WTO, 2022, pp. 79-80)

دو الگوی برنامه تامین مالی صادرات که توسط بانک برزیل اجرا می‌شود عبارتند از تامین مالی مستقیم و برابرسازی نرخ بهره^۱. کسب و کارهایی با گزارش مالی سالانه تا ۶۰۰ میلیون رئال عمدتاً هدف الگوی تامین مالی مستقیم همراه با اعطای اعتبار مستقیم به صادرکنندگان یا خریداران خارجی کالاها و خدمات واجد شرایط برزیل است. این تامین مالی برای تا ۱۰۰ درصد ارزش صادرات برای دوره اعتباری دو ماهه تا دو ساله و نیز در مواردی تا ۸۵ درصد برای دوره‌های طولانی‌تر (تا ۱۰ سال) ارائه می‌شود. هزینه اعتباراتی که طی قراردادهایی توسط صادرکنندگان یا خریداران خارجی از مؤسسات مالی خصوصی جهت تامین مالی صادرات مقرر می‌شود، تحت الگوی برابرسازی نرخ بهره پیگیری می‌شود. مقصد الگوی اول بیشتر، صادرات به کوبا، مکزیک، آمریکا و چین و الگوی دوم آمریکا، آرژانتین، پرو و شیلی بوده است. (WTO, 2022, p. 80)

۵. دیپلماسی اقتصادی برزیل و ایران

نگاهی به تاریخ متأخر روابط تجاری دو کشور برزیل و ایران مؤید آن است که حضور شرکت پتروبراس برزیل در صنعت نفت ایران در سال ۲۰۰۳ نمودی از بهبود نسبی روابط ایران و برزیل و نقطه عطفی بود که اوج آن در چند سال بعد در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد در ایران و داسیلوا در برزیل رقم خورد.

1- Interest Rate Equalization (PROEX-Equalization)

در ادامه اما بخش اعظمی از ظرفیت صادراتی ایران به برزیل در یک دهه اخیر چه به دلیل تحریم‌ها و چه ملاحظات اقتصادی نادیده گرفته شده است. از سوی دیگر یکی از نکات منفی که در رابطه با تجارت ایران و برزیل مطرح است تراز منفی است که البته به طور کلی این مسئله در مورد تجارت با سایر کشورهای منطقه آمریکای لاتین نیز صدق می‌کند. (Karkhaneh et al, 2021, pp. 722-723) در نهایت اگرچه طی دو دهه گذشته رشد ناچیزی در حجم تجارت دو کشور اتفاق افتاده اما ظرفیت‌های بسیاری برای چند برابر شدن تجارت دو کشور وجود دارد.

۵-۱. فرصت‌ها:

رویکرد کلی و راهبرد سیاست خارجی برزیل و اجماع نخبگان سیاسی و علمی این کشور در ادغام بیشتر در اقتصاد جهانی، فرصت‌ها و ظرفیت‌های بسیاری جهت همکاری‌های اقتصادی و تجاری برای ایران فراهم می‌کند. در این چارچوب یکی از حوزه‌هایی که بسیار مستعد تولید نتایج و بروندهای مثبت اقتصادی است، حوزه قراردادهای تجارت آزاد است؛ قراردادهایی که بخش بسیار مهمی از کلان پروژه حمایت نظری و عملی برزیل از اصول تجارت آزاد و حذف و یا دستکم کاهش محدودیت‌ها، موانع و تعرفه‌هاست؛ لذا در چنین شرایطی ایران باید پیش از پیش به دنبال انعقاد قراردادهای تجاری با این کشور به ویژه در حوزه‌هایی که به معنای مکمل بودن اقتصاد دو کشور است، باشد. برای مثال صنعت هواپیماسازی پیشرفته برزیل یکی از مزیت‌های نسبی این کشور است که فرصت مناسبی برای بهبود و ترمیم ناوگان هواپیمایی ایران فراهم می‌کند؛ صنعتی که برزیل در آن شهرت جهانی دارد.

حتی نوع سیاست باز برزیل در ارائه کمک‌های فنی و انتقال دانش در حوزه‌هایی چون توسعه انسانی اعم از فقر زدایی و غیر مشروط بودن ارائه این کمک‌ها بر خلاف اعضای کمیته کمک توسعه‌ای، فرصتی برای بهره‌برداری از تجربه توسعه برزیل برای ایران فراهم می‌کند. (Farias, 2018, p. 176) از سوی دیگر با توجه به نیاز ایران به فناوری‌های جدید و پیشرفته و از سوی دیگر تجربه و دانش برزیل به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرو و مدعی در حوزه کشاورزی و دامداری که در سطح جهانی اعتبار بالایی دارد، چنین ظرفیتی می‌تواند نقطه اتکایی برای همکاری دو کشور باشد. از دیگر حوزه‌های مهم مستعد همکاری پیش رو می‌توان به زمینه‌هایی چون اصلاح نژاد و تولید دام، امنیت غذایی، تغذیه و بهداشت و در نهایت کشاورزی حفاظتی اشاره کرد. از سوی دیگر در حوزه تامین نهاده‌های دامی که در چند سال اخیر به ویژه در دوران فشار حداکثری ترامپ محدودیت‌های جدی پیش روی اقتصاد و جامعه کشاورزی ایران ایجاد کرد، برزیل منبع غنی و پایداری می‌تواند باشد.

دسترسی برزیل به آب‌های آزاد و از سوی دیگر موقعیت ژئواستراتژیک ایران به عنوان پلی میان آسیا و اروپا از دیگر موقعیت‌هایی است که ایران با ایفای نقش واسطه‌گر و به عنوان کشور پل می‌تواند سهم بسزایی در تسهیل تجارت در حوزه ترانزیتی داشته باشد. در حوزه راهکارهایی برای تسهیل مناسبات تجاری نیز می‌توان به اقداماتی چون برگزاری اجلاس‌ها و نمایشگاه‌های مشترک، برقراری پرواز مستقیم بین تهران و سائوپائولو و از سوی دیگر تقویت روابط بانکی اشاره کرد. از دیگر نکات مهم در بررسی امکانات همکاری دو کشور ایران و برزیل می‌توان به لزوم توجه به انتقال فناوری و دانش در حوزه کشتیرانی با توجه به نیاز مبرم دو کشور به توسعه ناوگان تجاری و برخورداری از سواحل طولانی و نهایتاً بهبود وضعیت حمل و نقل کالا میان دو کشور اشاره کرد.

۵-۲. چالش‌ها

همانطور که پژوهش‌های علمی نشان می‌دهند در طول دهه ۹۰ و قبل از برجام^۱ با هر درصد از تحریم شاهد کاهش ۲ درصدی صادرات ایران بوده‌ایم. (Aghaei, Qolizadeh, & Mohammad Rezaei, 2018, p. 64) تشدید تحریم‌ها پس از برجام نه تنها صادرات نفت که صادرات غیر نفتی را هم با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه کرده است. نرخ ارز نیز به سبب دوره‌های تورمی بالا و مکرر فرصت تحریک صادرات را (شبه روندی که با کاهش عمده ارزش پول ملی در چین اتفاق می‌افتد) از بین می‌برد و مزیت و رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی ایران را تضعیف می‌کند. (Hassanvand, A. Hassanvand, D. & Nadami, 2017, p. 679)

در سالیان اخیر رژیم تحریم‌های غرب علیه ایران به‌ویژه در حوزه بانکی، پرداخت‌های بین‌المللی و کشتیرانی مهم‌ترین عامل در کندی روند توسعه روابط تجاری ایران با برزیل بوده است. برای مثال با وجود حتی انعقاد توافق‌نامه‌هایی برای تسهیل همکاری در حوزه کشاورزی اما بیش از یک دهه است که در ساحت اجرا به واسطه تحریم‌های بانکی و پولی متوقف شده است. با استناد به مقامات اتاق بازرگانی، حتی عضویت در بریکس تاثیر چندانی در کاهش اثر تحریم‌ها نداشته است. (Donyay-e Eqtesad, 2024) ضمن اینکه به نظر می‌رسد اگرچه که تشکیل و تداوم مجموعه‌ای چون بریکس کاملاً در راستای سنت سیاست خارجی برزیل و کسب اعتبار بین‌المللی به ویژه به مثابه رهبر جنوب جهانی بوده است و این کشور

۱- حتی برای مثال در مقطعی که تحریم‌های فلج‌کننده آمریکا در سال ۲۰۱۲ علیه ایران شروع شد، روابط اقتصادی برزیل با ایران تا قبل از برجام و سال ۲۰۱۵ به دلیل تحریم‌ها افول پیدا کرد. (Ava Diplomatic, 2023)



در ابتکاراتی چون بانک توسعه و مدیریت این مجموعه موفق بوده است اما وزنه بالای قدرت اقتصادی چین و هند از افزایش تأثیرگذاری برزیل به ضرر این دو می‌کاهد. (Buarque, 2024, p. 104) در موردی دیگر با توجه به پیشرو بودن برزیل در فناوری حفاری در آب‌های عمیق توافق‌نامه‌ای در حوزه اکتشافات بین دو کشور صورت گرفت اما این بار هم در لحظه اجرا، تحریم‌ها مانع شدند. حتی نمایشگاه‌های تجاری نیز از محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران مصون نیستند؛ به طوری که تبعات مربوط به رویداد ورود به ایران برای تجار بین‌المللی، گرایش به ایران را سخت کرده است. (Donyay-e Eqtesad, 2024)

در گزارش راهنمای دستورالعمل تجارت با ایران که توسط سفارت برزیل در تهران در سال ۲۰۲۳ منتشر شده است نیز از تحریم‌ها، به ویژه تحریم‌هایی مانند حمل و نقل و عملیات‌های مربوط به پرداخت‌های بین‌المللی، به عنوان مهم‌ترین مانع تجارت با ایران ذکر شده است. (Guide on how to Export to Iran, 2023) عامل اصلی کندی و عدم سرمایه‌گذاری و تجارت برزیلی‌ها در ایران به گفته ادواردو نتو، سفیر برزیل در ایران، تحریم‌های ثانویه آمریکاست. به باور او: «چیزهای زیادی در ایران برای برزیل و در برزیل برای ایران وجود دارد که می‌توانیم تجارت کنیم، اما امروزه به دلیل تحریم‌ها غیر ممکن است.» (Ava Diplomatic, 2023)

یکی از مهم‌ترین مباحث در روابط تجاری با برزیل حوزه امنیت غذایی و مزیت این کشور برای صادرات به ایران است؛ نکته مهم اما این است که اگرچه بسیاری از کالاهای اساسی مشمول برخی معافیت‌های تحریمی بشردوستانه می‌شوند اما به صورت غیر مستقیم محدودیت‌ها و تحریم‌های بانکی و پولی، و افزایش هزینه مبادله و تهدید بانک‌های خارجی همکار با ایران چالش‌های بزرگی پیشروی واردات کالاهای اساسی مانند نهاده‌های دامی، از برزیل به ایران گذاشته است. (Masir-e Eqtesad, 2024)

در نهایت حتی در خصوص بحث دلار زدایی هم نمی‌توان چندان خوشبین بود چرا که حتی حوزه یورو هم نمی‌تواند در این روند کنار بازیگرانی چون ایران و سایر کشورهای جنوب باشد؛ از آن گذشته دلار زدایی بیشتر بحثی ایدئولوژیک و ریشه در عدم اعتقاد طرفداران آن به امکان بهبود روابط با غرب و گشایش در حوزه تحریم‌ها دارد. از سوی دیگر پیش نیاز دلار زدایی، تمرکز بر ارز جایگزین خارجی است که در اینجا هم تحریم‌ها حتی ورود ارزهایی غیر از دلار را نیز دشوار نموده است. (Eqtesad 24, 2024)

از دیگر موانع و محدودیت‌های پیش روی تقویت تجارت ایران و برزیل، نرخ بالای تعرفه بر روی محصولات ایرانی به نسبت سایر کشورها است. بنابراین کاهش محسوس و با دامنه بالای تعرفه‌ها در بسیاری از کالاها، زمینه دیگری برای گسترش صادرات به این کشور است؛ امری که به جبران تراز منفی



تجاری ایران با این کشور نیز کمک بسیاری می‌کند.

در تحلیل نهایی باید گفت چشم انداز مناسبات تجاری و همگرایی اقتصادی دو کشور تحت شرایطی چون استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌ها بسیار مثبت است. با وجود این، در نهایت مسئله مهم در مورد صادرات به برزیل این است که صرف حفظ وضع موجود به معنای حفظ بازار برای ایران نیست، بلکه در کنار مهم‌ترین مانع یعنی تحریم‌ها، انفعال و عدم برنامه‌ریزی برای رشد و گسترش سهم ایران باعث می‌شود تا خلأهای موجود توسط رقبا پر شود و در نتیجه بازار فعلی نیز برای ایران از دست رود.

نتیجه‌گیری

در چند دهه اخیر نقش سیاست خارجی اقتصادی برزیل در بهبود شاخص‌های توسعه غیر قابل انکار است. بنابراین سوال این مقاله مسئله چگونگی گذار دیپلماسی اقتصادی برزیل از حمایت‌گرایی و گرایش به سوی ادغام در نظم اقتصادی جهانی و الزامات آن برای ایران بود. در این تحلیل از دریچه نظریه وابستگی متقابل اقتصادی، گذار از حمایت‌گرایی به ادغام در اقتصاد جهانی تبیین شد. برزیل، طی این روند، فراتر از مرکوسور، گرایش به انعقاد توافق‌نامه‌های تجاری با کشورها و بلوک‌های اقتصادی دیگر پیدا کرد. نرخ تعرفه، عوارض واردات و موانع غیر تعرفه‌ای نیز در بسیاری از کالاها با کاهش و حتی حذف روبرو شد. حمایت‌های مالی، اعطای وام‌ها و حذف بسیاری از مالیات‌ها بر صادرات، به تقویت حوزه صادرات کمک کرد. تقویت چندجانبه‌گرایی تجاری، ورود سرمایه و حتی حضور سرمایه‌گذاران برزیلی در دیگر کشورها تسهیل شد.

برآیند این تحول و باز شدن اقتصاد برزیل ضمن ایجاد فرصت‌های بسیار برای ایران در حوزه صادرات، ظرفیت‌های بسیاری در حوزه جذب سرمایه‌گذاران برزیلی به بازار ایران فراهم می‌کند. سرمایه‌گذاری بر تقویت روابط دوجانبه با برزیل در قالب طرح همکاری‌های بلندمدت اقتصادی همچون طرح‌هایی که ایران با چین و برخی دیگر کشورها مثلاً برای دوره‌های ۲۵ ساله انعقاد کرده است، دست کمی از عضویت در شانگهای و بریکس در چهارچوب کلی موازنه با آمریکا در سیاست خارجی ایران ندارد.

رویکرد چندجانبه‌گرایی تجاری در دیپلماسی اقتصادی برزیل و در رأس آن حمایت این کشور از تقویت موضع کشورهای در حال توسعه فرصتی برای حضور در مؤسسات مالی بین‌المللی به‌ویژه در ساختارهایی چون سازمان تجارت جهانی است. بنابراین بهره‌برداری از هم‌افزایی و حمایت این کشور جهت عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی می‌تواند یکی از مهم‌ترین متغیرها در کاهش بخش بزرگی از نارسایی‌ها و محدودیت‌های اقتصاد ایران باشد. از سوی دیگر استفاده از ظرفیت بریکس به‌ویژه بانک توسعه جدید، به

حل یکی از مشکلات جدی ایران در روابط تجاری یعنی نقل و انتقالات مالی بین‌المللی کمک می‌کند. در نهایت اما باید گفت تحریم بانک‌های تخصصی و تجاری ایران، کمبود منابع ارزی به سبب تحریم نفتی، عدم عضویت ایران در نهادهای مالی بین‌المللی به‌ویژه FATF و عدم تعهد در رعایت استانداردها و الزامات آن به طور خاص از جمله مهم‌ترین عوامل در کاهش حجم تجارت بین دو کشور بوده و بدون حل مسئله تحریم عملاً امکان چندانی برای رشد تجارت با برزیل میسر نیست. در مجموع اگرچه این مقاله به سهم خود به تبیین روند تحول دیپلماسی اقتصادی برزیل و الزامات و پیامدهای آن برای ایران پرداخت اما لزوم انجام پژوهش‌هایی با رویکرد پیش‌بینی با استفاده از الگوریتم‌ها، شاخص‌ها و نرم‌افزارهای علم اقتصاد جهت ترسیم چشم‌انداز روابط تجاری دو کشور احساس می‌شود.

References

- Aghaei, M. R. Qolizadeh, M. & Mohammad Rezaei, M. (2018). Investigating the impact of economic and trade sanctions on trade relations between Iran and major trade partners. *Strategic studies of public policy*. 8 (28), 68-49 [In Persian].
- Australian Trade and Investment Commission (20 June 2022). Brazil reduces tariffs on over 6,000 goods. Retrieved from <https://www.austrade.gov.au/en/news-and-analysis/analysis/brazil-reduces-tariffs-on-over-6000-goods>
- Ava Diplomatic (07 May 2023). "We are Always after Dialogue and Getting Consensus not Confrontation" Underlines Brazilian Ambassador to Iran. Retrieved from <https://avadiplomatic.com/en/archive/16679> [In Persian].
- Baker McKenzie Insight Plus (09 March 2023). Brazil: Foreign trade policy authorities restructured. Retrieved from <https://insightplus.bakermckenzie.com/bm/international-commercial-trade/brazil-new-regulation-on-the-organizational-structure-of-foreign-trade-authorities->
- Bigdali, M. Dehghani Firouzabadi, S. J. Barzegar, K. & Cheghanizadeh, Q. (2023). The decline of the liberal international order from the perspective of the theoretical approaches of the school of liberalism. *Political knowledge*. 19(2), 349-374. [In Persian].
- Buarque, D. (2024). *Brazil's international status and recognition as an emerging power: inconsistencies and complexities, governance, development, and social inclusion in Latin America*. Cham, Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Canning House (2023). What future for Mercosur?
- Carnegie Endowment for International Peace (18 December 2023). Brazil in the Emerging World Order. Retrieved from <https://carnegieendowment.org/research/2023/12/brazil-in-the-emerging-world-order?lang=en>
- Chatterjee, C. (2020). *Economic diplomacy and foreign policy-making*. Cham, Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Council on Foreign Relations (May 9, 2023). Mercosur: South America's Fractious Trade Bloc. Retrieved from <https://www.cfr.org/backgrounder/mercosur-south-americas-fractious-trade-bloc>
- Crochet, V. (2022). Trade Defense Instruments: A New Tool for the European Union's



Extractivism. *European Journal of International Law*, 33(2), 381–410.

Dehghani Firouzabadi, S. J., Salimi, H. & Manadizadeh, M. H. (2019). Indo-US relations from the perspective of interdependence (1990-2015). *Iranian Journal of International Politics*, 7(2), 67-104. [In Persian].

Donyay-e Eqtesad (11 August, 2024). Negative balance of trade with the wall of Brazil. <https://donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news-4091090> [In Persian].

Embassy of Brazil, Tehran. (2023). Guide on How to Export to Iran 2023.

Embassy of the Islamic Republic of Iran in Brazil (August 17, 2023). The ambassador says: Iran is expected to have better relations with Lula. Retrieved from <https://brasilia.mfa.gov.ir/portal/newsview/701614> [In Persian].

Eqtesad 24 (24 September 2024). De-dollarization is an ideological plan that is facilitating rentierism/ Is Iran's sick economy de-dollarized?/ China and Russia are trying to remove the dollar from exchanges. <https://eghtesaad24.ir/fa/news/257379/> [In Persian].

Estevão, M. Alcaraz, F. C. (2019). Brazil in the New World Economic Order. In A. Spilimbergo, K. Srinivasan. *Brazil: boom, bust, and the road to recovery*. Washington, US: International Monetary Fund.

Farias, D. B. L. (2018). *Aid and technical cooperation as a foreign policy tool for emerging donors: the case of Brazil*. New York, US: Routledge.

Global Policy Watch (10 January 2024). Brazil Under Lula: The First Year. Retrieved from <https://www.globalpolicywatch.com/2024/01/brazil-under-lula-the-first-year/>

Grivoyannis, E. C. (2019). Global Implications of International Integration of the Brazilian Economy. In E. C. Grivoyannis, *International integration of the Brazilian economy*. New York, US: Palgrave Macmillan

Hamidi, H. (2019). *Investigating the impact of foreign policy on the development process in India and Brazil from the 1990s onwards*. (Master's Thesis), Ferdowsi University of Mashhad, retrieved from Ganj, Iran Scientific Information Database (Irandoc no. 7d475dd0fa409c094f0489b62cf80281). [In Persian].

Hassanvand, A. Hassanvand, D. & Nadami, Y. (2017). Sanctions on non-oil Iran. *Strategic and macro policies*. 6(24), 666-687. [In Persian].

Herculano, L. S. (2022). Trade Policy in Brazil: Causes and Consequences of Our Isolation. [Review of the book *Política Comercial no Brasil: Causas e Consequências do Nosso Isolamento*, by E. Ornelas, J. P. Pessoa, E. L. Ferraz]. *Contexto Internacional* vol. 44(3).

Husar, J. (2016). *Framing foreign policy in India, Brazil and South Africa: on the like-mindedness of the IBSA States*. Switzerland: Springer.

International Trade Administration (04 December 2023). Brazil - Country Commercial Guide-Trade Barriers. Retrieved from <https://www.trade.gov/country-commercial-guides/brazil-trade-barriers>

Karkhaneh, E., Pourrostami, N., & Feizollahi, A. (2022). Iran's Export Potential to Brazil (2001-2018): Based on Conventional Indicators and Gravity-VEC Approach. *Iranian Economic Review*, 26(3), 721-740.

Keohane, R. O., & Nye, J. S. (2011). *Power and interdependence*. Boston, US: Pearson.

Masir-e Eqtesad (3 August, 2024). Have the sanctions had an effect on the import of Iran's basic goods? <https://masireqtesad.ir/187965/> [In Persian].

Modern Diplomacy (29 August 2024). Lula da Silva's Foreign Policy Doctrine: Brazil's Return to Multilateralism. Retrieved from <https://moderndiplomacy.eu/2024/08/29/lula-da-silvas-foreign-policy-doctrine-brazils-return-to-multilateralism/>



- Mohammadi, S. & Salehi, M. (2022). Political Economy of China's New Silk Road and Iran's Interdependence. *International Relations Studies Quarterly*. 15(2), 175-196. [In Persian].
- Mohseni, A. & Mazinani, H. (2021). Review of Brazilian economic development policies 1960-2021. *Knowledge of political commentary*. 3(9). 26-54
- Moshirzadeh, H. (2017). *Development in theories of international relations*. Tehran, Iran: Samt. [In Persian].
- Noormohammadi, M. Sharbati, V. Heydari, M. (2022). China's activism in ASEAN; Trying to maintain asymmetric economic dependence. *Quarterly Journal of International Organizations*, 13 (4), 659-680. [In Persian].
- Organization for Economic Co-operation and Development (OECD) (2021). *Economic Policy Reforms 2021: Going for Growth- Brazil*.
- Oliviera, I. Veiga, P. D. M. Rios, S. P. Riberio, F. (2019). *The Political Economy of Trade Policy in Brazil*. Institute for Applied Economic Research (IPEA).
- Salimi Fard, A. Yousefi, B. Shahabi, R. & Abdulkhani, L. (2022). Brazil's economic diplomacy and maintaining international peace and security. *Iranian Journal of International Politics*. 10(2), 131-157. [In Persian].
- Schedelik, M. (2023). *The political economy of upgrading regimes: brazil and beyond*. Cham, Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Silva, B. D. S. (2018). The Evolution of Foreign Direct Investment in Brazil. In E. Amann. C. R. Azzoni, W. Baer. *The Oxford handbook of the Brazilian economy*. New York, US.: Oxford University Press
- Tanious, M. E. (2019). The impact of economic interdependence on the probability of conflict between states: The case of "American-Chinese relationship on Taiwan since 1995". *Review of Economics and Political Science*, 4(1), 38-53.
- Vigevani, T. Ramanzini, J. (2022). *The challenges for building regional integration in the global South: the case of brazilian foreign policy towards Mercosur*. Switzerland: Springer.
- World Trade Organization (WTO) (2022). *Trade Policy Review: Brazil*. WT/TPR/S/432
- Zahluth Bastos, P. P. Hiratuka, C. (2020). The Foreign Economic Policy of Dilma Rousseff's Government and the Limits of Dependency. *Latin American perspectives*. 47(2), 25-46.
- Zibaei, M. (2019). Foreign policy: tools for Brazil's economic development. *World Politics*. 7(4) 77-98. [In Persian].